

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۰

doi 10.22034/nf.2023.177051

کوسه لر: پیشینه طایفه های ایرانی در قلمرو عثمانی*

**

عطاءالله حسنی (عضو هیئت علمی بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده: مرزهای سیاسی پوشاننده حقایق اند و وحدت جغرافیایی و انسانی را در چهره کثرتی اختلاف برانگیز می نمایانند. افراد و گروه ها و جمعیت های انسانی کهن درختانی را مانند که اگرچه در ظاهر منفردند، در واقع ریشه در ریشه، پیوستگی و یگانگی دارند. جمعیت های عشایری چنین وضعیتی دارند؛ یگانه ولی پراکنده اند. «روزگار وصل» جستن، برای یکی از طوایف ایل شاهسون بغدادی به نام کوسه لر (Küselər/ Köselər)، هدف این مقاله بود و نویسنده، با ابتناء بر روش بینارشته ای تاریخی و مردم شناسی، بر آن شد که به تحقق درباره هویت و سکونتگاه نخستین و مهاجرت های بعدی این طایفه بپردازد. نتیجه تحقیق بیانگر این است که برای جستجوی ریشه و فرایند شکل گیری این طایفه و هویت یابی آن باید بازه مکانی ترکستان تا بالکان و بازه زمانی چند صدساله ای را در نظر داشت.

کلیدواژه ها: ایل شاهسون بغدادی، کوسه لر، ایران، عثمانی، مهاجرت.

* این مقاله، با اندک حذف و اضافه، برگرفته از کتاب تبارشناسی تاریخی اتحادیه ایل شاهسون بغدادی تألیف نویسنده است که در استانه انتشار، از سوی انتشارات دانشگاه شهید بهشتی است.

** a_hassani5@yahoo.com

۱ ورود ترکان به آسیای صغیر و شامات

در دوران معتصم (۲۲۷-۲۱۸ ق)، ترکان موقعیت چشمگیری در دستگاه خلافت عباسی به دست آوردند. سخن خلیفه، مبنی بر اینکه «خدمت را چون ترک نیست»^۱، حاکی از عملکرد مطلوب ترکان و اعتماد بسیار وی به ایشان بوده است. در زمان این خلیفه، سردارانی مانند اشناس ترک و ایتاخ ترک پیروزی‌هایی در نواحی آناتولی و روم و شام به دست آوردند. این پیروزی‌ها باعث شد که ترکان در این مناطق حضور ملموسی پیدا کنند، اما ورود منظم ترکان به آسیای صغیر و شامات، به تدریج، از سده پنجم هجری و با حضور سلجوقیان آغاز شد و با موج‌های بعدی توسعه یافت. محمدفاتح کریشچی اوغلو می‌نویسد:

از پیشگامان اغوز، دو شعبه در سوریه جا گرفتند. شعبه نخست در مناطق حلب، حماه، حمص و شام اطراق کردند. اینان بیشتر شامل اویماق‌های بیات، افشار، بیگدلی، و دوگر می‌شدند. شعبه دیگر ترکانی بودند که در سمت لاذقیه^۲ و طرابلس شام^۳، در مناطق غربی کوه‌های انصاریه، مستقر شدند (Öztürkmen ve diğerler, No. 14, s. 6, in Kirişçioglu, s 2.3).

۲ اتحادیه ایل شاهسون بغدادی

ایل شاهسون بغدادی اتحادیه‌ای ایلی و نام جماعتی از ترکان و ترک‌شدگان است که در مناطق مرکزی ایران، با پراکندگی جغرافیایی گسترده، اسکان یافته‌اند. این ایل، براساس آخرین برآورد، دارای دو شعبه لک^۴ و آرخلو^۵، ۲۹ طایفه، و دربردارنده ۲۲۰ تیره و چندصد زیرتیره بوده است. در شرایط کنونی، به دلیل اسکان، فاقد ساختار سیاسی و اقتصاد ایلی و وحدت و انسجام جمعیتی در سطح ایل است. اما طایفه‌ها و تیره‌ها و زیرتیره‌های ایل در گستره جغرافیایی وسیعی از ایران زندگی می‌کنند، و با وجود شهرنشینی، ارتباطات درون‌تیره‌ای و، در مواردی، درون‌طایفه‌ای را حفظ کرده‌اند. نکته مهم این است که این ایل از ترکیب طوایفی به وجود آمده که هریک از آنها سابقه قومی و تاریخی، فرهنگی، مذهبی، و زبانی مستقلی داشته است. طوایف وابسته ایل، به رغم زبان واحد که ترکی است، به دلیل منشأ گوناگونی تبار و موقعیت جغرافیایی خاص، لهجه‌های زبانی متفاوت دارند.

۱. خواجه نظام‌الملک درباره موقعیت ترکان در دستگاه معتصم می‌نویسد: «... از خلفای بنی عباس هیچ‌کس را آن سیاست و هیبت و آلت و عدت نبود که معتصم را بود و چندان بنده ترک که او داشت کس نداشت. گویند که هفتاد هزار غلام ترک داشت و بسیار کس را از غلامان برکشیده بود و به امیری رسانیده و پیوسته گفتی که 'خدمت را چون ترک نیست'» (← خواجه نظام‌الملک طوسی: ۶۶).

2. Lazkiye

3. Trablusşam

4. Lek

5. Arıxlı

هسته اصلی ایل شاهسون بغدادی — لک و آرخلو — در سال ۱۱۴۵ق، به دست نادر افشار که بعداً پادشاه شد، از نواحی کرکوک به خراسان کوچانده شد. متعاقب کشته شدن نادر، این جماعت به فارس رفتند و پس از مدتی آقا محمدخان قاجار آنان را به نواحی ساوه و مناطق مجاور کوچاند.

پیشینه تعدادی از طوایف ایل شاهسون بغدادی را می‌توان در جغرافیای تاریخی مناطق شمال عراق امروزی، سوریه و ترکیه ردیابی کرد. کوسه‌لر از جمله این طوایف است که در این مقاله به پیوند تاریخی آن با مناطقی که روزگاری در قلمرو عثمانیان بود، پرداخته می‌شود. بالکان، ترکیه امروزی، نواحی شمال سوریه و مناطق شمالی عراق امروزی از جمله این مناطق است. نجم‌الدین اسین محدوده منطقه استقرار ترکان در منطقه اخیر را چنین توصیف می‌کند:

شهر تلغفر مرز شمالی منطقه ترک‌نشین عراق است. این خط از تلغفر به کرکوک کشیده می‌شود که مرکز و بزرگ‌ترین منطقه تجمع ترکان است و در آنجا وسعت می‌گیرد. این مسیر، با دربرگرفتن شعبه بیات از ترکان اوغوز، تا شهر بدره در یکصد و بیست کیلومتری شرق بغداد و سپس تا ناحیه تورساق امتداد می‌یابد. این مسیر به حدود مرزی قدیم ایران و امپراتوری عثمانی نزدیک است (Esin, s 1125).

۳ کوسه‌لر

کوسه‌لر از طوایف اصلی ایل شاهسون بغدادی است و در تقسیمات کنونی ایل، یکی از طایفه‌های شعبه «لک» محسوب می‌شود. هم کوسه‌لر و هم لک از جماعات عشایری‌اند که می‌توان آنها را در مناطق آناتولی و منطقه کرکوک و حلب سوریه ردیابی کرد. آقاجان بی اوغلو، ضمن تعیین موقعیت جماعات کوسه‌لر در آناتولی، احتمال می‌دهد که آنان ریشه ترکستانی داشته باشند. شاهد او وجود جماعتی به نام «کوسه‌لر» در ترکستان است (Beyoğlu, s 276). نظر به وجود بایاتی^۱ زیر که در میان طایفه کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی رایج است، بعید نیست که فرضیه تعلق جماعت کوسه‌لر به منطقه ترکستان، در گذشته‌های دور تاریخی صحیح باشد. در این بایاتی، که در وصف زیارویان تووایی است، از استعاره «آتش فروزان» در بودباش تووایی‌ها استفاده شده است، تا تصویری ذهنی از گلرخان تووایی پدید آورد، و سراینده آرزوی مهمان شدن نزد ایشان را بر زبان می‌راند:

بیر اود یاتر تووادا Bir od yanér Tuvadha

۱. در ادبیات آذری و ترکمن به کلام موزون چهارپاره هفت‌هجایی گفته می‌شود که تنها مصراع‌های اول، دوم و چهارم قافیه دارد (Büyük Türkçe Sözlük, c 1, s 601; Bayatı).

اسمر چوخ دو اووادا Esmer çoxdu uvadha

بیر گیجه قوناغ اولای Bir gice qunağ ulay

اسمر اولان اووادا Esmer ulan uvadha

(حسنی، ص ۴۹-۵۰)

تووا سرزمینی است با اکثریت جمعیت عشایری که قومیت مغولی و زبان ترکی دارند (McMullen, s 2). این سرزمین در شمال مغولستان واقع است که از قرن هفدهم کانون توجه و هدف تهاجم روسیه بود، تا اینکه در قرن بیستم، زیر سلطه آن کشور رفت. تووا اکنون از جمهوری‌های فدرال روسیه است و بیشتر جمعیت آن ریشه قومی تووایی دارند (Forsyth, s 123-125, 226-228, 280-282; McMullen, s 3-6).

این که جماعت کوسه‌لر در چه زمان، چگونه و از کدام مسیر ترکستان را ترک کرده و وارد آناتولی شده‌اند بر نویسنده معلوم نیست. از آنجا که تا زمان نادر، در منابع تاریخی، اشاره‌ای به حضور ایشان در ایران به چشم نمی‌خورد، به نظر می‌رسد یا در ایران به دلیلی نامشخص بوده‌اند یا از مسیری جز ایران وارد سرزمین آناتولی شده‌اند و در آنجا، بنا بر ضرورت شرایط تاریخی، به مناطق گوناگونی راه یافته و جماعتی از ایشان به طایفه لک پیوسته، به دستور نادر، و ذیل نام عمومی بیات‌ها به خراسان کوچانیده شده باشند.

طبق اسناد دولتی عثمانی، سابقه حضور کوسه‌لر در آناتولی به سده شانزدهم میلادی بازمی‌گردد. در تعدادی از منابع و اسناد آرشیوی قرن شانزدهم، «کوسه‌لر» به جماعت عشایری اطلاق شده، و در برخی از آنها نیز، به مکان سکونت. قدیم‌ترین جایی که نام جماعت کوسه‌لر در آن قید شده دفتر تحریر اسکی ایل است، که به عصر سلطان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸ ق/ ۱۴۸۱-۱۵۱۲ م) بازمی‌گردد. در این دفتر، «جماعت کوسه‌لر» تابع اسکی ایل، آت‌چکن^۱، و «خاصه شهزاده»^۲ معرفی شده است (Şahin, s 194; Quoting from BA, Eskiil TD, Nr. 32, S. 10).

مورد دیگر به زمان سلطان سلیم و اوایل حکومت سلطان سلیمان مربوط می‌شود که «کوسه‌لر» به نام روستایی در بنی‌شهر اطلاق شده است (Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, s. 185).

از گستردگی وسیع جغرافیایی جماعات عشایری کوسه‌لر پیداست که جمعیت فراوانی داشته‌اند و این

۱. آت‌چکن‌ها، که از نام فارسی «اسب‌کشان» (atçeken) / esbkeşan هم در اسناد عثمانی به جای آن استفاده می‌شده، جماعتی بودند که در اواخر قرن پانزدهم میلادی در سه ناحیه اداری در آناتولی مرکزی، یعنی قضای اسکی ایل (در غرب تورگولو) و بایپورت (در شرق تورگولو) و قضای تورقوت (در شرق آق‌شهر)، گسترده شده بودند (Beldiceanu-Steinherr, s 48-49).
۲. «خاص» یا «خاصه» به درآمد سالیانه بیش از یک‌هزار آقچه اطلاق و مشمول سنجاق‌بیگی‌ها، بیگلربیگی‌ها، وزراء، حکم‌داران و زنان حکم‌داران می‌شد (Sertoğlu, s 139). این امتیاز، در زمان سلطان بایزید دوم، شامل حال شاهزادگان نیز شد (Şahin, s 194).

خود نشانه دیرینگی شکل‌گیری آنهاست. آقاجان بی‌اوغلو، در جایی، «کوسه‌لر» را قبیله‌ای معرفی می‌کند که دارای چهار تیره به نام‌های بگلر^۱، قاراگزلر^۲، باشی‌لار^۳، و چاقه‌لر^۴ است (Beyoğlu, 200, 440). جودت تورکای «کوسه‌لر» را، با ترکیبات متفاوتی مانند «کوسه‌لی، کوسه‌لی‌اوغلو، کوسه‌لر اوباسی، و کوسه‌اوغلو»، از عشیره‌ها، جماعات، و طوایف ترکمان کوچ‌نشین مناطق زیر معرفی کرده است (Türkay, s 11, 544, 545):

علائیه	Alaiye	میخالیچ	Mihalıç
قارص مرعش	Kars-ı Meraş	قضاهاشی گوئن و خارمانجیق واقع در سنجاق ^۶ خداوندگار	Gönen ve Harmancık Kazaları (Hudavendigâr Sancağı)
آدانا	Adana	قضای پوره‌غیر در سنجاق آدانا	Yüreğir Kazası (Adana Sancağı)
طرسوس	Tarsus	قضای رادوویشته در سنجاق کؤستدیل	Radovişte Kazası (Köstendil Sancağı)
سیس	Sis	قضای آوونیا در سنجاق بیگا	Avunya Kazası (Bıga Sancağı)
ایچ‌ایل	İçel	قضای سیلیفکه در سنجاق ایچ‌ایل	Silifke Kazası (İçel Sancağı)
بوزاوخ	Bozok	قضای اردو در سنجاق قاراحصار شرقی	Ordu Kazası (Karahisar-ı Şarki)
حمید	Hamid	قضای سلمانلوی صغیر در سنجاق بوزاوخ	Selmanlu-ı Sağır Kazası (Bozok Sancağı)
مرعش	Meraş	فیلیبه	Filibé
صاروخان	Saruhan	قضاهاای فیلورینه و گومولجینه در سنجاق پاشا	Filorine ve Gümülcine Kazaları (Paşa Sancağı)
قارا حصار شرقی	Karahisar-ı Şarkı	قضای ارمنگ در سنجاق ایچ‌ایل	Ermenek Kazası (İçel Sancağı)
پاشا	Paşa	قضای بالیکسیر در سنجاق قاراسی	Balıkesir Kazası (Karası Sancağı)
قونیه	Konya	قضای سلطان‌حصاری در سنجاق آیدین	Sultanhisarı Kazası (Aydın Sancağı)

1. Begler

2. Qarakerregler

3. Başılar

4. Çageler

۵. قضا، یکی از تقسیمات ملکی را گویند که کوچک‌تر از ناحیه است. مجموع چهار یا پنج قسم قضا یک سنجاق را تشکیل می‌دهد (سامی، ص ۱۰۷۳)

۶. سنجاق، از تقسیمات ایالتی در دولت عثمانی، ولایت (معین، ذیل واژه)

Manavgat Kazası (Alaiye Sancağı)	قضای ماناوقات در سنجاق علانیه	Karaman	قارامان
İncesu Kazası (Niğde Sancağı)	قضای اینجسوسو در سنجاق نیغده	Aydin	آیدین
Gördük Kazası (Saruhan Sancağı)	قضای گوردوک در سنجاق صاروخان	Ankara	آنکارا
İznikmid Kazası (Kocaeli Sancağı)	قضای ایزنیکمید در سنجاق قوجا اتلی	Teke ve Sığıla Sancakları	سنجاق‌های تکه و سیغلا
Dağardı Kazası (Kütahya Sancağı)	قضای داغاردی در سنجاق کوتاهیه	Turgud Kazası (Konya Sancağı)	قضای تورقود در سنجاق قونیه
Kemah Kazası (Erzurum Sancağı)	قضای کماخ در سنجاق ارزروم	Zülkadriye Kazası (Meraş Eyaleti)	قضای ذوالقدریه در ایالت مرعش
		Bursa	بورسا

علاوه بر این گزارش، دیگر اسناد آرشیوی از حضور جماعت کوسه‌لر در ولایات آنکارا، قارامان، و ذوالقدریه خبر داده‌اند و وجود آنها را در ناحیه باناز و قضای کولای کوتاهیه، آجی کویو و قیزیلجا قیشلاهی آنکارا، اسب‌کشان قونیه، قضای قاراتاش ایچ‌ایل، قضای قوچ‌حصار آقسرای، قضای قارص مرعش، و لوی صاروخان گزارش کرده‌اند. همچنین در، این اسناد از روستایی به نام «کوسه‌لر» یاد شده که ساکنان آن از جماعت حاجی بهاء‌الدینلو بوده‌اند (Quoting from Sakin, s 164, 234, 235, 353, 378, 402, 407, 416, 497. TD, 438, S.42, 68, 342, 404, ve TD, 387, S.231, 244, 292, 145, ve TD, 998, S.503, ve TD, 166, S.338, 340, ve TD, 438, S.88). این روستا تا قرن هجدهم پابرجا بوده است. یوسف خلیج اوغلو، در گزارش اسکان عشایر در سال ۱۱۲۰ ق/ ۱۷۰۸ م، به وجود همین روستا اشاره دارد که از توابع حوزه گولنار^۱ در استان مرسین^۲ ترکیه بوده و در اصل «موطن جماعت حاجی بهاء‌الدینلو (با نام شیخ‌لو و فقیه‌لو نیز شناخته می‌شده)» به‌شمار می‌رفته است (Halacıoğlu, s 84). به گفته فاروق سومر در قرن نوزدهم، اویماق کوسه‌لر در ناحیه نازیللی^۳ ولایت آیدین زندگی می‌کرده است (Sümer, s 352). در روستای سیلله قونیه نیز، مطابق با اسناد تاریخی، در سال ۱۲۵۷ ق/ ۱۸۴۱-۱۸۴۲ م مزرعه‌هایی به نام کوسه‌لر وجود داشته است (Sarıköse, s 124, 570. Quoting from, BOA, EV. d., No. 11653; BOA, Ev. d., No. 11657).

1. Gülnar

2. Mersin

3. Nazilli

از اسناد عثمانی متعلق به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نیز پیداست که جماعتی از کوسه‌لر در ولایت طرابزون در شهر تیره‌بلوی گیره‌سون حضور داشته‌اند (Yüksel, s 30, 172). سهم جنگجویان کوسه‌لر در نبرد استقلال هم فراموش نشده و آی‌خان یوکسل از علی‌اوغلو حسین، ملقب به ولی، و حسن‌اوغلو شاکر، ملقب به قاراحسن، از اهالی تیره‌بلوی گیره‌سون در ساحل دریای سیاه، با عنوان «شهدای حرب استقلال» در تاریخ ۲۶ و ۲۸ اوت [اگوستوس] ۱۹۲۱ نام برده است (ibid, s 135-136). ایلگر بیگیت آنتالیا را آخرین بودباش جماعت کوسه‌لر دانسته و آورده است که جماعت کوچ‌نشین کوسه‌لر، که زمستان را به قارادوت^۱ و تابستان را به باش‌یایلا^۲ قشلاق و بیلاق می‌کرده‌اند، در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی – بنا بر مندرجات «دفتر تمتعات» (Temettuat Defteri, No. 10590) – در عصر اصلاحات معروف به تنظیمات، در روستای کوسه‌لر یا قارادوت از قضای ماناوقات^۳ به سر می‌برده‌اند. جمعیت انبوهی از این جماعت به تدریج زندگی کوچ‌نشینی در قارادوت را ترک و به شهر آنتالیا نقل مکان کردند و در محلات قیرجامعی^۴، آلتینوا^۵، غازیلر^۶، و وارساق^۷ اسکان یافتند. بازماندگان ایشان هنوز هم در همان محله‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهند (Yiğit, s 1026, 1029-1030).

پخش شدن جمعیت‌های عشایری در مناطق گوناگون جغرافیایی، که چه‌بسا ناشی از اعمال سیاست‌های جابه‌جایی یا اسکان عشایر به دستور دولت یا به دلیل جستن «یورت» یا بودباش/ چراگاه مطلوب بود، باعث ورود گروه‌های عشایری به اتحادیه‌های گوناگون ایلی یا اسکان دائمی در مناطق پراکنده می‌شد و گاه حتی دگرگونی هویتی ایشان را، از نظر شیوه زندگی و مذهب و زبان و فرهنگ، در پی داشت. این وضعیت برای طوایف کوسه‌لر به‌گرات پیش آمده؛ چنان‌که حضور جمعیت‌هایی از طوایف مورد اشاره درون جماعات چالالار^۸، اوسسالار^۹، جَلله‌که‌لر^{۱۰}، قوشچولار^{۱۱} و نیز به صورت شعبه‌ای از «قبیله دلیلر» در آنتولی گزارش شده است (Beyoğlu, s 241, 275, 337, 432, 500). اما از سوی دیگر در ایران، پس از چندصد سال، هم دلیلر و هم کوسه‌لر درون اتحادیه ایلی شاهسون بغدادی قرار گرفته و دو طایفه مستقل از همدیگر را تشکیل داده‌اند.

در مهاجرت‌های دوران عثمانی، گروهی از جماعت کوسه‌لر به منطقه یونان و بلغارستان رفتند یا

1. Karadut

2. Başyayla

3. Manavgat Kazası

4. Kırcaamii

5. Altinova

6. Gaziler

7. Varsak

8. Çalalar

9. Ussalar

10. Celle Keler

11. Guşçular

کوچانده شدند. بازمانده‌های مهاجران یادشده اکنون در چندین روستای بلغارستان زندگی می‌کنند که به نام خود آنان خوانده می‌شود ("Bulgaristan'daki Türk Köyleri"):

نام روستا	نام روستا به زبان بلغارستانی	استان
Köseler	Brusevts	Hasköy
Köseler	Kösevo	Kırca Ali
Köseler	Kösevti	E.Cuma
Köseler	Pçelino	H.O.Pazarcık
Köseler	Peniovo	Kırca Ali
Köseler	Telerig	H.O.Pazarcık
Köseler	Zvegor	Şumnu

در سال ۱۹۲۳م، با امضای قرارداد لوزان، قراردادی هم بین ترکیه و یونان به امضا رسید که بنا بر آن، ترکان ساکن در یونان و یونانیان ساکن در ترکیه می‌بایست مبادله می‌شدند. از جماعات مبادله‌شده، که کار اسکانشان از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۰م به درازا کشید، برخی‌شان از روستاهای کوسه‌لر کارافریا^۱ — به یونانی: وریا^۲ — در یونان بودند که به خاصاکوی نیغده در ترکیه کوچانده شدند (Özkan, 146. Quoting from: (Hasaköy, Nüfus Kayıt Defteri, Niğde İl Nüfus ve Vatandaşlık Müdürlüğü Arşivi).

در مناطق امروزی ترکیه نیز، روستاهای بسیاری با نام «کوسه‌لر» وجود دارد که حاکی از تداوم حیات جماعت کوسه‌لر در آن مناطق است. جدول زیر مشخصات این روستاها را دربردارد ("Köseler" → ").

ردیف	نام روستا	نام شهر	نام استان
۱	کوسه‌لر	آزینه	چاناق‌قلعه
۲	کوسه‌لر	بایرامیچ (انوجیلر بوجاقی)	چاناق‌قلعه
۳	کوسه‌لر	قینیق	ازمیر
۴	کوسه‌لر	اوده‌میش	ازمیر
۵	کوسه‌لر	مرکز	بالیکسیر
۶	کوسه‌لر	بیگادیچ (یاغجیلار بوجاقی)	بالیکسیر
۷	کوسه‌لر	گوردس	مانیسا
۸	کوسه‌لر	انشمه	اوشاق
۹	کوسه‌لر	اولوبی	اوشاق

ردیف	نام روستا	نام شهر	نام استان
۱۰	کوسه‌لر	سیماو (داغاردی بوجاقی)	کوتاهیه
۱۱	کوسه‌لر	تاوشانلی	کوتاهیه
۱۲	کوسه‌لر	دیلوواسی (مَلا فناری بوجاقی)	قوجاانلی
۱۳	کوسه‌لر	قورقوتلی	آنتالیا
۱۴	کوسه‌لر	ماه قارا اوز- آقسو	آنتالیا
۱۵	کوسه‌لر	ماه اَزغلی	زونگولداغ
۱۶	کوسه‌لر	ییغیلجا	دوزجه
۱۷	کوسه‌لر	قیبریسجیق	بلو
۱۸	کوسه‌لر	پولاتلی (ینی محمدلی بوجاقی) مسکن کردان - عشیره جانبگ	آنکارا
۱۹	کوسه‌لر	بی پازاری (قاراشار بوجاقی)	آنکارا
۲۰	کوسه‌لر	پولاتلی (تَمَلّی بوجاقی)	آنکارا
۲۱	کوسه‌لر	حامام اوزو (گوموش بوجاقی)	آماسیه
۲۲	کوسه‌لر	دَولی (باقیر داغی)	قیصری
۲۳	کوسه‌لر	نزیب	غازی عنتاب
۲۴	کوسه‌لر	سوروچ	اورفا
۲۵	کوسه‌لر	کاهتا	آدی یامان
۲۶	کوسه‌لر	تیره‌بلو	گیره‌سون
۲۷	کوسه‌لر	اوواجیق	تونجه‌لی
۲۸	کوسه‌لر	چات	ارزروم
۲۹	کوسه‌لر	مرکز (زئینیلیگ بوجاقی)	آرتوین
۳۰	کوسه‌لر	پاتنوس (ساری‌سو بوجاقی)	آغری
۳۱	کوسه‌لر	دیگور	قارص

همچنین، بنا بر راهنمای تلفن شهر استانبول، می‌توان از سکونت خانواده‌های بسیاری، با نام خانوادگی «کوسه‌لر»، در محلات گوناگون این شهر آگاهی به‌دست آورد؛ ازجمله فاتح، بایرام‌پاشا،

زیتون بورنو، کوچوک‌کوی، باغجیلار، یدی کوله، آتی سالان، باغچه‌لی ائولر، مَرْتَر، خوجا مصطفی‌پاشا، وقاضی عثمان‌پاشا^۱.

از نقاط جغرافیایی نام‌برده‌شده در فرهنگ آبادی‌های ایران نیز چنین پیداست که در میان‌دوآب، سه روستا (با عرض و طول جغرافیایی ۳۷/۰۲-۴۶/۰۳) و در زنجان، یک روستا (با عرض و طول جغرافیایی ۳۰/۳۶- ۴۸/۲۱) با نام «کوسه‌لر» وجود دارد (پاپلی یزدی، ص ۴۶۸). مردوخ کردستانی از وجود قریب چهل خانوار از «عشایر کوسه‌ای» در نواحی سقز و سیاه‌کوه خبر داده است (مردوخ کردستانی، ص ۱۰۶). با توجه به اسناد مالیاتی ایل شاهسون بغدادی، که مأمورانش برای گردآوری مالیات جماعت کوسه‌لر به نواحی یادشده می‌رفته‌اند، بعید نیست این خانوارها، در منطقه، به این نام شناخته شده باشند.

همان‌طور که گفته شد، کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی، در ایران، طایفه بزرگی است که بیش از نوزده تیره، و نیز زیرتیره‌های متعددی دارد. در یکی از بایاتی‌های رایج در ایل، نام کوسه‌لر ماندگار شده است:

Bir qız sévdim Kūseler بیر قیز سئودیم کوسه‌لر
Qoyunu sağar seseler قویونو ساغار سه‌سه‌لر
Yar yadhına duşenne یار یادینا دوشَننه
Menim qelbim eseler مَنیم قَلبیم اسه‌لر

((به دختری از طایفه کوسه‌لر دل بستم/ (دختری که) گوسفند می‌دوشد و (در همان حال) نغمه‌سرایی می‌کند/ هنگامی که به یاد یار می‌افتم/ قلبم پر می‌کشد)) (حسنی، ص ۵۱).

۴ نتیجه

مطالعه فرایند شکل‌گیری طایفه کوسه‌لر و نیز هویت‌یابی مکانی آن نشان می‌دهد که اینان جمعیتی عشایری بوده‌اند که با پیشینه‌ای چندصد ساله در مناطق وسیعی، از ترکستان تا بالکان زیسته، و بنا بر اقتضائات اجتماعی و سیاسی، با جمعیت‌های عشایری و روستایی مجاور شده‌اند. این طایفه با پیوستن به جمعیت‌های عشایر خواسته یا ناخواسته بارها مهاجرت کرده‌اند و در سرزمین‌های مختلف و با جمعیت‌های گوناگون ساکن شده‌اند. آخرین زیستگاه اینان در نواحی مرکزی ایران — در مناطق ساوه، قم، تهران، ورامین، شهریار — است و یکی از طوایف بزرگ و پرجمعیت اتحادیه ایل شاهسون بغدادی به

۱. نویسنده در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ در استانبول اقامت داشت و این آگاهی مربوط به آن زمان است.

شمار می‌روند که شیعه‌مذهب و ترک‌زبان‌اند و همسانی لهجه‌ای بسیار با ترکمانان کرکوک با لهجه معروف به (Y) دارند.

منابع

- پاپلی یزدی، محمدحسین، فرهنگ آبادی‌های کشور، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷.
- حسنی، عطاءالله، تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی، ایل شاهسون بغدادی، تهران، ۱۳۸۱.
- خواجه نظام‌الملک طوسی، سیرالملوک: سیاست‌نامه، چاپ دوم، به‌اهتمام هیوبرت دارک، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.
- سامی، شمس‌الدین، قاموس ترکی، در سعادت [= استانبول] مطبعة اقدام، ۱۳۱۷ق.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد، تاریخ کرد و کردستان و توابع، کتابفروشی غریقی، سنج، [بی‌تا].
- Beldiceanu-Steinherr, Irene (1991), "Atçeken", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ensiclopedisi*, Cilt 4, Istanbul: Türkiye Diyanet Vakfı, s. 48-49.
- Beyoğlu, Ağacan (Ağa Niyazi Begliyev) (2000), *Türkmen Boylarının Tarih ve Etnografyası*, İstanbul: Mor Ajans.
- "Bulgaristan'daki Türk Köyleri", <https://mobile.donanimhaber.com/bulgaristan-daki-turk-koyleri-gecmisinizi-bilin--35994386> [accessed 1/23/2017].
- Büyük Türkçe Sözlük* (2016), C. 1, İstanbul: yaylacık Matbaası.
- Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü (2007), *Muhasebe-i Vilayet-i Rum*, No. 367& İcmal, No. 114, 390, 101 (920-937) 1514-1530. I. Ankara.
- Esin, Necmettin (1999), "İrak Türkleri," *Türk Dünyası El Kitabı*, s. 1125.
- Forsyth, James (1998), *A History of the Peoples of Siberia: Russia's North Asian Colony 1581-1990*, 4th Reprinted, New York: The Cambridge University Press.
- Halaçoğlu, Yusuf (1991), *XVIII. Yüzyılda Osmanlı İmparatorluğu'nun İskan Siyaseti ve Aşiretlerin Yerleştirilmesi*, 2. Baskı. Ankara: Türk Tarih Kurumu Basımevi.
- "Köseler," Index Anatolicus. Türkiye Yerleşim Birimleri Envanteri. <http://www.nisanyanmap.com> [Access date 10/12/2011].
- McMullen, Ronald. "Tuva: Russia's Tibet or the Next Lithuania?" <http://www.fotuva.org/misc/mcmullen.html> [1/24/2017].
- Özkan, Salih (2010), *Milli Devlet Olma Sürecinde Mübadele ve Niğde'ye Yapılan İskan*, Konya: Kökem Yayınları.
- Sakin, Orhan (2010), *16. Yy. Osmanlı Arşiv Kayıtlarına Göre Anadolu'da Türkmenler ve Yörükler*, İstanbul: Ekim.

- SARIKÖSE, Barış (2009), *Sille: Bin Yıllık Birliktelik, Tarihçesi ve Sosyo-economik Yapısı*, Konya: Çizgi Kitapevi.
- SERTOĞLU, Midhat (1986), *Osmanlı Tarih Lugatı*, İstanbul: Enderun Kitabevi.
- ÖZTÜRKMEN, Ali Bilgay DUMAN ve Oytun ORHAN (2011), “Suriye’de Değişiminin Ortaya Çıkardığı Toplum: Suriye Türkmenleri”, ORSAM-Ortadoğu Türkmenleri Programı Rapor No. 14, s. 6 (in Fatih KIRIŞCIOĞLU, “Suriye Türkleri”, *Avrasya Dosyası*, Cilt 2, Sayı 3, Ankara, Sonbahar 1995).
- SÜMER, Faruk (1992), *Oğuzlar (Türkmenler): Tarihleri, Boy Teşkilatı, Destanları*, İstanbul: Türk Dünyası Araştırmaları Vakfı.
- ŞAHİN, İlhan (2006), *Osmanlı Döneminde Konar-Göçerler*, İstanbul: Eren. Temettuat Defteri, No. 10590.
- TÜRKAY, Cevdet (1979), *Başbakanlık Arşivi Belgelerine göre Osmanlı İmparatorluğunda Oymak, Asiret, ve Cemaatlar*, İstanbul: Tercuman.
- YİĞİR, İlker (2018), “Konar-Göçer bir Topluluğun Son Durağı Antalya: Köşeler Cemaati Örneği (XIX. Yüzyıl-Günümüz)”, *Antalya Kitabı: Selçukludan Cumhuriyet’e Sosyal Bilimlerde Antalya*, 1. Antalya: Büyükşehir Belediyesi, s. 1026-1040.
- YÜKSEL, Ayhan (2002), *Giresun Tarihi Yazıları*, İstanbul: Kitabevi.